

دلیل بزرگداشت اربعین چیست؟

اعتبار اربعین امام حسین(ع) از گذشته میان شیعیان و در تقویم تاریخی وفاداران به امام حسین(ع) شناخته شده بوده است.



اعتبار اربعین امام حسین(ع) از گذشته میان شیعیان و در تقویم تاریخی وفاداران به امام حسین(ع) شناخته شده بوده است. کتاب 171#& مصباح المتهجد؛ شیخ طوسی که حاصل گزینش دقیق و انتخاب معقول شیخ طوسی است از روایات فراوان درباره تقویم مورد نظر شیعه درباره ایام سوگ و شادی و دعا و روزه و عبارت است، ذیل ماه 171#& صفر؛ می نویسد: نخستین روز این ماه (از سال 121)، روز کشته شدن زید بن علی بن الحسین است.

روز 20 صفر - یعنی اربعین - زمانی است که حرم امام حسین(ع) یعنی کاروان اسرا، از شام به مدینه بازگشتند و روزی است که جابر بن عبدالله انصاری، صحابی رسول خدا(ص)، از مدینه به کربلا رسید تا به زیارت قبر امام حسین(ع) بشتابد و او نخستین کسی است که قبر آن حضرت را زیارت کرد.

در این روز، زیارت امام حسین(ع) مستحب است و این زیارت، همانا خواندن زیارت اربعین است. شیخ طوسی سپس متن زیارت اربعین را با سند به نقل از حضرت صادق(ع) آورده است: السلام علی ولی الله و حبیبه، السلام علی خلیل الله و نجیبه، السلام علی صفی الله و ابن صفیه...

این مطلبی است که شیخ طوسی، عالم فرهیخته و معتبر و معقول شیعه در قرن پنجم درباره اربعین آورده است. طبعا براساس اعتباری که این روز میان شیعیان داشته است، از همان آغاز که تاریخش معلوم نیست، شیعیان به حرمت آن، زیارت اربعین می خوانده اند و اگر می توانسته اند مانند جابر بر مزار امام حسین(ع) گرد آمده و آن امام را زیارت می کردند. این سنت تا به امروز در عراق با قوت برپاست و شاهدیم که میلیونها شیعه عراقی و غیر عراقی در این روز بر سر مزار امام حسین(ع) جمع می شوند.

در اینجا و در ارتباط با اربعین، چند نکته را باید توضیح داد.

1- عدد چهل

نخستین مسأله ای که در ارتباط با 171#& اربعین؛ جلب توجه می کند، تعبیر اربعین در متون دینی است. ابتدا باید نکته ای را به عنوان مقدمه یادآور شویم:

اصولا باید توجه داشت که در نگرش صحیح دینی، اعداد نقش خاصی به لحاظ عدد بودن، در القای معنا و منظوری خاص ندارند؛ به این صورت که کسی نمی تواند به صرف اینکه در فلان مورد یا موارد، عدد هفت یا دوازده یا چهل یا هفتاد به کار رفته، استنباط و استنتاج خاصی داشته باشد. این یادآوری، از آن روست که برخی از فرقه های مذهبی، بویژه آنها که تمایلات 171#& باطنی گری؛ داشته یا دارند و گاه و بیگاه خود را به شیعه نیز منسوب می کرده اند، و نیز برخی از شبه فیلسوفان متأثر از اندیشه ای درباره اعداد یا نوع حروف بوده و هستند.

در واقع، بسیاری از اعدادی که در نقلهای دینی آمده، می تواند براساس یک محاسبه الهی باشد، اما اینکه این عدد در موارد دیگری هم کاربرد دارد و بدون یک مستند دینی می توان از آن در سایر موارد استفاده کرد، قابل قبول نیست. به عنوان نمونه، در دهها مورد در کتابهای دعا، عدد صد به کار رفته که فلان ذکر را صد مرتبه بگویید، اما این دلیل بر تقدس عدد صد به عنوان صد نمی شود. همین طور سایر اعداد طی روزگاران، صورت تقدس به خود گرفته گاه سوء استفاده هایی هم از آنها می شود. تنها چیزی که درباره برخی از این اعداد می شود گفت، آن است که آن اعداد معین نشانه کثرت است. به عنوان مثال، درباره هفت چنین اظهار نظری شده است. بیش از این هر چه گفته شود، نمی توان به عنوان یک استدلال به آن نظر کرد.

عدد 171#& اربعین؛ در متون دینی

یکی از تعبیرهای رایج عددی، تعبیر اربعین است که در بسیاری از موارد به کار رفته است. یک نمونه آن که سن رسول خدا(ص) در زمان بعثت، چهل بوده است. گفته شده که عدد چهل در سن انسانها، نشانه بلوغ و رشد فکری است. گفتنی است، برخی از انبیا در سنین کودکی به نبوت رسیده اند.

در قرآن آمده است «مِيقَاتُ; موسی با پروردگارش در چهل روز حاصل شده است. در نقل است که، حضرت آدم چهل شبانه روز بر روی کوه صفا در حال سجده بود. (مستدرک وسائل، ج 9، ص 329) درباره بنی اسرائیل هم آمده که برای استجابت دعای خود چهل شبانه روز ناله و ضجه می‌کردند. (مستدرک، ج 5، ص 239)

اعتبار حفظ چهل حدیث که در روایات فراوان دیگر آمده، سبب تألیف صدها اثر با عنوان اربعین در انتخاب چهل حدیث و شرح و بسط آنها شده است. در این نقلها آمده است که اگر کسی از امت من، چهل حدیث حفظ کند که در امر دینیش از آنها بهره برد، خداوند در روز قیامت او را فقیه و عالم محشور خواهد کرد. در نقل دیگری آمده است که امیرمومنان(ع) فرمودند: اگر چهل مرد با من بیعت می‌کردند، در برابر دشمنانم می‌ایستادم. (الاحتجاج، ص 84)

مرحوم کفعمی نوشته است: زمین از یک قطب، چهار نفر از اوتاد و چهل نفر از ابدال و هفتاد نفر نجیب، هیچ گاه خالی نمی‌شود. (بحار، ج 53، ص 200)

درباره نطفه هم تصور بر این بوده که بعد از چهل روز علقه می‌شود. همین عدد در تحولات بعدی علقه به مضغه تا تولد در نقلهای کهن به کار رفته است، گویی که عدد چهل مبدأ یک تحول دانسته شده است.

در روایت است کسی که شرابخواری کند، نمازش تا چهل روز قبول نمی‌شود. و نیز در روایت است که کسی که چهل روز گوشت نخورد، خلقتش تند می‌شود. نیز در روایت است که کسی که چهل روز طعام حلال بخورد، خداوند قلبش را نورانی می‌کند. نیز رسول خدا(ص) فرمود: کسی که لقمه حرامی بخورد، تا چهل روز دعایش مستجاب نمی‌شود. (مستدرک وسائل، ج 5، ص 217)

اینها نمونه‌ای از نقلهایی بود که عدد اربعین در آنها به کار رفته است.

2- اربعین امام حسین(ع)

باید دید در کهن‌ترین متون مذهبی ما، از «اربعین; چگونه یاد شده است. به عبارت دیگر، دلیل بزرگداشت اربعین چیست؟ چنانکه در آغاز گذشت، مهمترین نکته درباره اربعین، روایت امام عسکری(ع) است. حضرت در روایتی که در منابع مختلف از ایشان نقل شده، زیارت اربعین را یکی از پنج نشانه مؤمن دانسته‌اند.

این حدیث تنها مدرک معتبری است که جدای از خود زیارت اربعین که در منابع دعایی آمده، به اربعین امام حسین(ع) و بزرگداشت آن روز تصریح کرده است. اما اینکه منشأ اربعین چیست، باید گفت، در منابع به این روز به دو اعتبار نگریسته شده است.

نخست روزی که اسیران کربلا از شام به مدینه بازگشتند. دوم روزی که جابر بن عبدالله انصاری، صحابی پیامبر خدا(ص) از مدینه به کربلا وارد شد تا قبر حضرت اباعبدالله الحسین(ع) را زیارت کند. شیخ مفید(م 413) در «مسار الشیعه; که در ایام موالید و وفیات ائمه اطهار(ع) است، به روز اربعین اشاره کرده و نوشته است: این روزی است که حرم امام حسین(ع)، از شام به سوی مدینه مراجعت کردند. نیز روزی است که جابر بن عبدالله انصاری برای زیارت امام حسین(ع) وارد کربلا شد.

در کتاب «نزّه الزاهد; هم که در قرن ششم هجری تألیف شده، آمده است: در بیستم این ماه بود که حرم محترم حسین(ع) از شام به مدینه آمدند. (نزّه الزاهد، ص 241) همین طور در ترجمه فارسی «فتوح ابن اعثم; (الفتوح ابن اعثم، تصحیح مجد طباطبائی، ص 916) و کتاب «مصابح، کفعمی که از متون دعایی بسیار مهم قرن نهم هجری است این مطلب آمده است. برخی عنوان کرده‌اند که عبارت شیخ مفید و شیخ طوسی، بر آن است که روز اربعین، روزی است که اسرا از شام به مقصد مدینه خارج شدند، نه آنکه در آن روز به مدینه رسیدند. (لؤلؤ و مرجان، ص 154) به هر روی، زیارت اربعین از زیارت‌های مورد وثوق امام حسین(ع) است که از لحاظ معنا و مفهوم قابل توجه است.

3- بازگشت اسیران به مدینه یا کربلا

اشاره کردیم که شیخ طوسی، بیستم صفر یا اربعین را، زمان بازگشت اسیران کربلا از شام به مدینه دانسته است. باید افزود، نقلی دیگر، اربعین را بازگشت اسرا از شام به «کربلا; تعیین کرده است. تا اینجا، از لحاظ منابع کهن، باید گفت، اعتبار سخن نخست بیش از سخن دوم است. با این حال، علامه مجلسی پس از نقل هر دو اینها، اظهار می‌دارد: احتمال صحت هر دوی اینها (به لحاظ زمانی) بعید می‌نماید. (بحار، ج 101، ص 334-335) ایشان این تردید را در کتاب دعایی خود «زاد المعاد; هم عنوان کرده است. با این حال، در متونی، مانند «لهوف; و «مثیر الاحزان; آمده است که اربعین، مربوط به زمان بازگشت اسرا، از شام به کربلاست. اسیران، از راهنمایان خواستند تا آنها را از کربلا عبور دهند. باید توجه داشت، که این دو کتاب، در عین حال که مطالب مفیدی دارند، از جهاتی، اخبار ضعیف و داستانی هم دارند که برخی شناخت آنها باید با متون کهن‌تر مقایسه شده و اخبار آنها ارزیابی شود. این نکته را هم باید افزود که منابعی پس از لهوف به نقل از آن کتاب این خبر را نقل

کرده‌اند، نباید به عنوان یک منبع مستند و مستقل یاد شوند. کتابهایی مانند 171#&؛ حبيب السير؛ که به نقل از آن منابع خبر بازگشت اسرار را به کربلا آورده‌اند (نفس المهموم، ترجمه شعرانی، ص 269) نمی‌توانند مورد استناد قرار گیرند.

در اینجا مناسب است دو نقل را درباره تاریخ ورود اسرا به دمشق یاد کنیم. نخست نقل ابوریحان بیرونی است که نوشته است: روز اول ماه صفر را روزی می‌داند که سر امام حسین(ع) وارد دمشق کرده و یزید هم در حالی که اشعار 171#&؛ ابن زبیری؛ را می‌خواند و بیتی هم بر آن افزوده بود، با چوبی که در دست داشت بر لبان امام حسین(ع) می‌زد. 171#&؛

دوم سخن عماد الدین طبری (م حوالی 700) در 171#&؛ کامل بهائی؛ است که رسیدن اسرا به دمشق را در 16 ربیع الاول دانسته، یعنی 66 روز پس از عاشورا.

4- میرزا حسین نوری و اربعین
علامه میرزا حسین نوری از علمای برجسته شیعه، و صاحب کتاب 171#&؛ مستدرک الوسائل؛ در کتاب 171#&؛ لؤلؤ و مرجان در آداب اهل منبر؛ به نقد و ارزیابی برخی از روضه‌ها و نقلهایی پرداخته که به مرور در جامعه شیعه رواج یافته و به نظر وی، از اساس، نادرست بوده است. ظاهراً وی در دوره اخیر نخستین کسی است که به نقد این روایت پرداخته و دلایل متعددی در نادرستی آن اقامه کرده است.

به نظر می‌رسد منطقی‌ترین چیزی که برای اعتبار اربعین در دست است، همین زیارت جابر در نخستین اربعین به عنوان اولین زائر است.

اما درباره اعتبار اربعین به بازگشت اسرا به کربلا، توجه به این نکته هم اهمیت دارد که شیخ مفید در کتاب مهم خود در باب زندگی امامان و در بخش خاص به امام حسین(ع) از کتاب 171#&؛ ارشاد؛ در خبر بازگشت اسرا، اصلاً اشاره‌ای به اینکه اسرا به عراق بازگشتند ندارد. همین طور ابومخنف، راوی مهم شیعه هم اشاره‌ای در مقتل الحسین خود به این مطلب ندارد. در منابع کهن تاریخ کربلا هم مانند 171#&؛ انساب الاشراف؛ و 171#&؛ اخبار الطوال؛ و 171#&؛ طبقات الکبری؛ اثری از این خبر دیده نمی‌شود.

روشن است که حذف عمدی آن معنا ندارد، زیرا برای چنین حذف و تحریفی، دلیل وجود ندارد؛ خبر زیارت جابر، در کتاب 171#&؛ بشاره المصطفی؛ آمده، اما به ملاقات وی با اسرار اشاره‌ای نشده است.

مرحوم حاج شیخ عباس قمی هم، به تبع استاد خود نوری، داستان آمدن اسرای کربلا را در بعین از شام به کربلا نادرست دانسته است (منتهی الامال، ج 1، صص 817-818) در دهه‌های اخیر مرحوم محمد ابراهیم آیتی هم در کتاب بررسی تاریخ عاشورا بازگشت اسرا را به کربلا انکار کرده است. (بررسی تاریخ عاشورا، صص 148-149) همین طور شهید مطهری که متأثر از مرحوم آیتی است. اما این جماعت یک مخالف جدی دارند که شهید قاضی طباطبایی است.

5- شهید قاضی طباطبایی و اربعین
شهید محراب، مرحوم حاج سید محمدعلی قاضی طباطبایی، کتابی با نام 171#&؛ تحقیق درباره اولین اربعین حضرت سیدالشهدا؛ نوشته است.

هدف ایشان از نگارش این اثر آن بود تا ثابت کند آمدن اسرا از شام به کربلا در نخستین اربعین، بعید نیست. این کتاب مشتمل بر تحقیقات حاشیه‌ای فراوانی درباره کربلاست که بسیار مفید و جالب است. اما به نظر می‌رسد در اثبات نکته مورد نظر، با همه زحمتی که مولف محترم کشیده، چندان موفق نبوده است.

ایشان درباره این اشکال که امکان ندارد اسرا ظرف چهار روز از کربلا به کوفه، از آنجا به شام و سپس از شام به کربلا بازگشته باشند، هفده نمونه از مسافرتها و مسیرها و زمانهایی را که برای این راه در تاریخ آمده به تفصیل نقل کرده‌اند. در این نمونه‌ها آمده است که مسیر کوفه تا شام و به عکس از یک هفته تا ده دوازده روز طی می‌شده و بنابراین، ممکن است در یک چهار روز، چنین مسیر رفت و برگشتی طی شده باشد. اگر این سخن بیرونی هم درست باشد که سر امام حسین(ع) روز اول صفر وارد دمشق شده، می‌توان اظهار کرد که 20 روز بعد، اسرا می‌توانستند در کربلا باشند.

باید به اجمال گفت: بر فرض که طی این مسیر برای یک کاروان، در چنین زمان کوتاهی، با آن همه زن و بچه ممکن باشد، باید توجه داشت که آیا اصل این خبر در کتابهای معتبر تاریخ آمده است یا نه؟ تا آنجا که می‌دانیم، نقل این خبر در منابع تاریخی، از قرن هفتم به آن سوی تجاوز نمی‌کند. به علاوه، علمای بزرگ شیعه، مانند شیخ مفید و شیخ طوسی، به آن اشاره‌ای نکرده‌اند، بلکه به عکس آن

تصریح کرده و نوشته‌اند: روز اربعین روزی است که حرم امام حسین(ع) وارد مدینه شده یا از شام به سوی مدینه خارج شده است.

آنچه می‌ماند این است که نخستین زیارت امام حسین(ع) در نخستین اربعین، توسط جابر بن عبدالله انصاری صورت گرفته است و از آن پس ائمه اطهار(ع) که از هر فرصتی برای رواج زیارت امام حسین(ع) بهره می‌گرفتند، آن روز را که نخستین زیارت در آن انجام شده، به عنوان روزی که زیارت امام حسین(ع) در آن مستحب است، اعلام فرمودند.

متن زیارت اربعین هم از سوی حضرت صادق(ع) انشاء شده و با داشتن آن مضامین عالی، شیعیان را از زیارت آن حضرت در این روز برخوردار می‌کند؛ اهمیت خواندن زیارت اربعین تا جایی است که از علائم شیعه دانسته شده است.

زیارت اربعین در 171#&؛ مصباح المتعبد؛ شیخ طوسی و نیز 171#&؛ تهذیب الاحکام؛ وی به نقل از صفوان بن مهران جمال آمده است؛ وی گفت که مولایم صادق(ع) فرمود: زیارت اربعین که باید وقت برآمدن روز خوانده شود چنین است... (مصباح المتعبد، ص 788، تهذیب الاحکام، ج 6، ص 113، اقبال الاعمال، ج 3، ص 101، مزار مشهدی، ص 514) (تحقیق قیومی)، مزار شهید اول (تحقیق مدرسه الامام المهدی، قم 1410)، ص 185-186).

این زیارت، به جهاتی مشابه برخی از زیارتهای دیگر است، اما از آن روی که مشتمل بر برخی از تعبیر جالب در زمینه هدف امام حسین از این قیام است، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ در بخشی از این زیارت درباره هدف امام حسین(ع) از این نهضت آمده است: خدایا، امام حسین(ع) همه چیزش را برای نجات بندگان از نابردی و سرگستگی و ضلالت در راه تو داده در حالی که مشتی فریب خورده که انسانیت خود را به دنیای پست فروخته‌اند، بر ضد وی شوریده و آن حضرت را به شهادت رساندند.

دکتر رسول جعفریان